

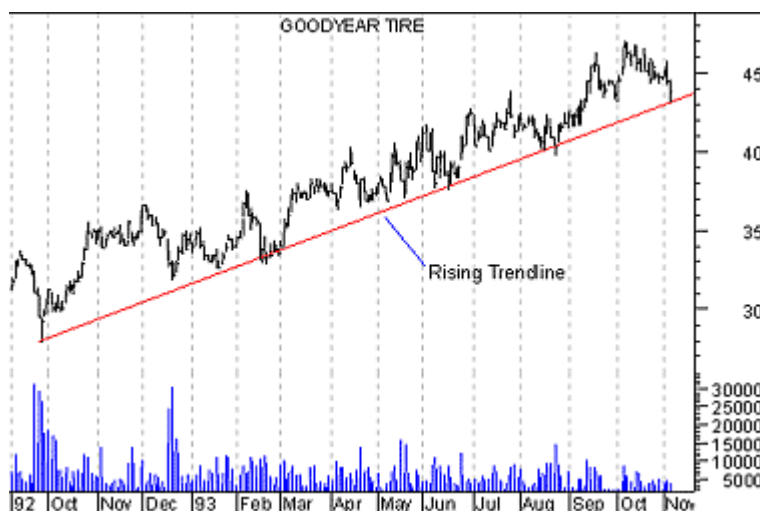
## روندها و خطوط روند (Trends and Trend Lines)

### روندها (Trends)

در بخش قبل دیدیم که چگونه با تغییر در رفتار و انتظارات سهامداران، حمایت (support) و مقاومت (resistance) بوجود می آید که نتیجه این حمایت یا مقاومت در صفهای خرید یا فروش قابل مشاهده است. اینگونه تغییرات معمولا بر پایه اخبار {و یا شایعات} استوار بوده و عموما ناگهانی بوجود می آید.

در این بخش، به روند تغییرات قیمت میپردازیم. روند، گویای یک تغییر مداوم {مثبت یا منفی} در یک دوره زمانی است (مثلا تغییر در انتظارات و توقعات سهامداران یک شرکت). روند قیمت بر اساس درجه حمایت یا مقاومت یک سهم متغیر است. چون حمایت و مقاومت سدی در برابر تغییرات هستند و در مقابل تغییرات روند قیمت مقاومت میکنند.

همچنان که در نمودار زیر پیداست، یک روند قیمت صعودی توسط روز به روز بالاتر رفتن قیمت یک سهم بوجود می آید (یعنی قیمت حداقل (Minimum) سهم روند صعودی داشته باشد). یک دید دیگر نسبت به یک روند قیمت صعودی بالاتر رفتن درجه حمایت سهم است، باین صورت که مثبت نگرها کنترل کننده بوده و قیمت را بسمت بالاتر رفتن هل میدهد.



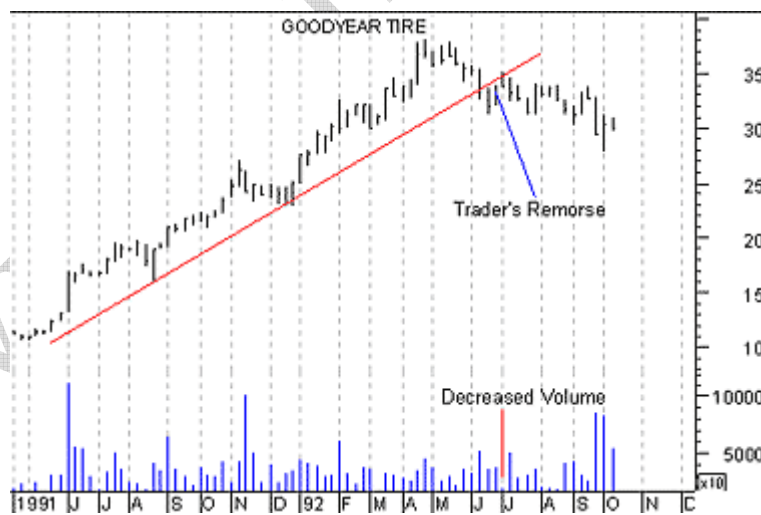
نمودار زیر نشاندهنده یک روند نزولی قیمت است. این روند از پایین تر رفتن قیمت حداکثر روزانه در طی یک دوره زمانی تشکیل میشود. میتوان یک روند نزولی را بصورت افت درجه مقاومت یک سهم نیز در نظر گرفت. کاهش دهنده های قیمت فعال ترند و قیمت را بسمت پایین میکشند.



وقتي قیمت به مرزهاي حمايت يا مقاومت ميرسد، انتظارات از سهم تغيير ميکند. قیمت ميتواند خط روند (trendline) را چه در حالت صعودي و چه در حالت نزولي قطع کند. نمودار زیر نشاندهنده مقاومت سهم شرکت merick در برابر روند نزولي قیمت است. يعني قیمت چند بار روند را قطع کرده و حمايت از عدم رضایت سهامداران از روند منفي شدن سهم و انتظار آنها براي مثبت شدن قیمت دارد. به حجم معاملات (نمودار ستوني زیر نمودار قیمت) توجه کنید. دقت کنید که چطور پس از تقاطع خط روند و نمودار قیمت، حجم معاملات بالا ميروند. این شاهدهي مهم بر این مدعاست که روند قبلي (نزول قیمت سهم) در حال تغيير است. {همانطور که دیده ميشود در ماه نوامبر در محلي که علامت breakout بمعني «شکست روند» گذاشته شده این موضوع ثابت ميشود و روند نزولي برعکس شده و از این پس صعود قیمت را شاهد هستيم}.



شبيه به موضوع حمايت و مقاومت، بعضي مواقع نیز شاهد پشيماني سهامداران يك سهم و رویگرداني از آن هستيم {يادتان هست که؟ دليلش خيلي مهم نيست! چون ما چارتيست هستيم} يعني پس از يك تقاطع خط روند با نمودار قیمت، شاهد کاهش قیمت بخاطر عرضه سهم و دست برداشتن سهامداران از آن سهم هستيم.



بازهم نمودار حجم معاملات گويای قدرت (ميزان نفوذ) يك روند بر روند قبلي ميباشد. در مثال بالا حجم معاملات پس از قطع شدن خط روند بالا رفته است ولي این ميزان معاملات ضعيف بوده و قدرت کافي براي راندن قیمت به حدود روند قبلي ندارد.

متن ترجمه شده از سايت <http://www.equis.com>  
ترجمه: ياسر رشيدی

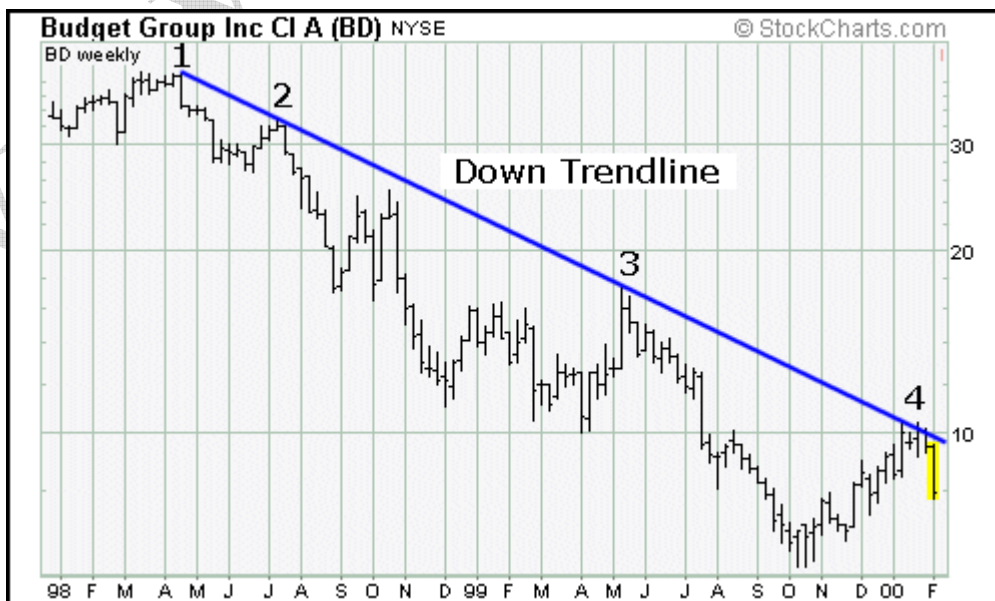
## نگاهی دقیق تر به روندها و خطوط روند

تحلیل تکنیکال بر این فرض که قیمت‌ها روند دارند شکل گرفته است. خطوط روند در روش تکنیکال ابزار مهمی برای شناسایی (identification) و اثبات (confirmation) یک روند هستند. یک خط روند خط راستی است که دو یا چند نقطه روی نمودار قیمت را به هم وصل میکند و سپس بسوی روزهای آینده نیز امتداد داده میشود تا یک خط حمایت یا مقاومت را تشکیل دهد. خیلی از اصولی که درباره حمایت و مقاومت وجود دارد درباره خطوط روند نیز قابل کاربرد است.

### روندهای رو به بالا (صعودی)



یک روند رو به رشد یک خط با شیب مثبت است که از وصل کردن دو یا چند نقطه مینیمم (نسبی) بدست می آید. نقطه مینیمم دوم باید بالاتر از مینیمم اول باشد تا شیب خط مثبت شود. روندهای رو به بالا بصورت حمایت عمل میکنند و نشاندهنده اینست که تقاضای خالص (= تقاضا - عرضه) با بالا رفتن قیمت افزایش می یابد. وقتی با بالا رفتن قیمت سهم تقاضا نیز افزایش پیدا کند سهم رشد زیادی خواهد داشت و نشان از عزم جزم خریداران سهم دارد. تا زمانی که قیمت سهم بالای خط روند باقی بماند روند مثبت، محکم و بدون تغییر باقی میماند. یک شکست قیمت بزیر خط روند مثبت، نشاندهنده ضعیف شدن تقاضای خالص بوده و احتمال تغییر در روند را باید در نظر گرفت.

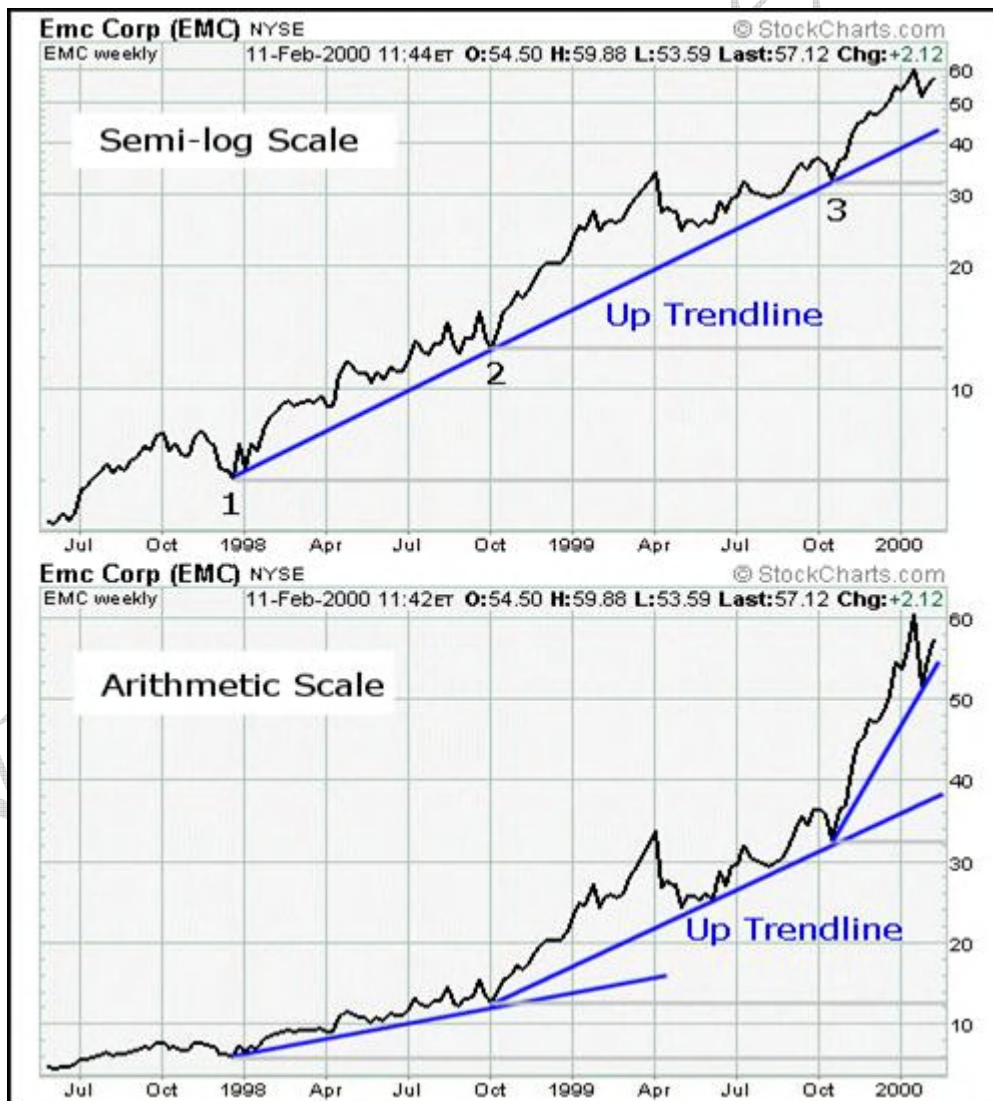


## روندهای رو به پایین (نزولی)

یک روند نزولی خطی با شیب منفی است که از وصل کردن دو یا چند نقطه ماکزیمم {نسبی} بدست می آید. نقطه حداکثر دوم باید پایین تر از نقطه اول باشد تا خطی با شیب منفی را تشکیل دهد. روند منفی بصورت مقاومت عمل کرده و نشاندهنده افزایش در عرضه خالص (=عرضه - تقاضا) علی رغم افت قیمت سهم است. وقتی افت قیمت همزمان با افزایش عرضه اتفاق می افتد شاهد افت در سهم بوده و این موضوع حکایت از تصمیم راسخ سهامداران بر فروش سهم دارد. تا زمانی که قیمت ها زیر خط روند قرار دارند روند بدون تغییر و ثابت در نظر گرفته میشود. یک شکست ناگهانی در قیمت و بالاتر رفتن قیمت از خط روند نشاندهنده کم شدن عرضه خالص بوده و باید احتمال تغییر در روند قیمت سهم را در نظر داشت.

## تنظیمات مقیاس نمودار

بنظر میرسد رسم خطوط روند از نقاط حداقل یا حداکثر نمودار قیمت، در مقیاس لگاریتمی بهتر نتیجه میدهد. این موضوع مخصوصاً وقتی خطوط روند بلند مدت رسم میشوند یا زمانیکه تغییر بزرگی در روند قیمت سهم بوجود آمده بیشتر خودنمایی میکند. اکثر نرم افزارهای رسم نمودار، اجازه رسم نمودار با دو نوع مقیاس را به کاربر میدهند: مقیاس حسابی و مقیاس لگاریتمی. در مقیاس حسابی فواصل ارقام روی محور قائم (y) با هم یکسان است. یعنی یک رشد ۱۰ دلاری در قیمت یک سهم، چه قیمت سهم از ۱۰ دلار به ۲۰ دلار رشد داشته و چه از ۱۰۰ دلار به ۱۱۰ دلار رسیده باشد، یکسان نمایش داده میشود. در حالیکه در یک نمودار نیمه لگاریتمی مقادیر روی محور y بصورت درصدی نمایش داده میشوند، به عنوان مثال رشد قیمت سهم از ۱۰ دلار به ۲۰ دلار یک بازده ۱۰۰٪ محسوب میشود در حالیکه رشد قیمت از ۱۰۰ دلار به ۱۱۰ دلار نشاندهنده یک بازده ۱۰٪ است.



در نمودار بالا (شرکت EMC) یک رشد قیمتی زیاد در طول این بازه زمانی طولانی {۲سال} اتفاق افتاده است. همانطور که مشخص است در مقیاس حسابی افت قیمت به زیر خط روند وجود ندارد ولی خط روند در مقیاس لگاریتمی بدون شکستگی و تغییر شیب است و نسبت به

مقیاس حسابی شیب هموارتری دارد. قیمت این سهم در مدت زمانی کمتر از ۲ سال، ۲ بار دو برابر شده است. در مقیاس نیمه لگاریتمی خط روند کاملاً صعودی و با شیب ثابت است. در مقیاس حسابی، سه خط روند جداگانه برای مشخص کردن روند صعود قیمت سهم لازم است که رسم شوند.



در مثال دوم (شرکت BD) دو بار به صورت غلط اندازه‌گیری به سمت بالا شکسته است و این در حالیست که در طول سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ قیمت سهم افت داشته است. این شکسته‌ها می‌تواند باعث گول خوردن و خرید پیش از هنگام درست شود ولی مشخصاً بعد از هر دو قیمت سهم باز هم سقوط کرده است. سهم این شرکت، در طول این دوره ۲ ساله سه بار به نصف قیمت قبلی سقوط کرده است. مقیاس نیمه لگاریتمی باز هم درصد سقوط قیمت سهم را بصورت هموار و بدون شکستگی در خط روند نشان می‌دهد.

## تشخیص اعتبار خطوط روند

برای رسم خط روند نیاز به دو یا چند نقطه داریم. هر چقدر تعداد نقاط رسم خط روند بیشتر باشد اعتبار و درستی درجه حمایت (یا مقاومت) مربوط به خط روند بیشتر اثبات میشود. بعضی مواقع ممکن است یافتن بیش از ۲ نقطه برای رسم خط روند دشوار باشد. علی رغم کاربردی و کلیدی بودن خطوط روند در تحلیل تکنیکال، همیشه امکان رسم خط روند روی هر نمودار قیمتی وجود ندارد. گاهی اوقات مینیمم ها یا ماکزیمم ها با همدیگر جور نیستند و اینطور مواقع بهتر است خط روند رسم نگردد، بجای اینکه به اجبار خط روند اشتباهی رسم کنیم. قاعده اصلی در رسم خط روند این است که با دو نقطه رسم میشود و نقطه سوم برای تأیید اعتبار خط روند بکار می آید.



در نمودار بالا مربوط به شرکت MSFT يك خط روند صعودي رسم شده که ۴ بار توسط نمودار قیمت لمس شده و سپس رشد کرده است. بعد از چهارمین لمس در نوامبر ۹۹، خط روند يك خط حمایت معتبر در نظر گرفته میشود. حالا که قیمت برای چهارمین بار به سوی بالای خط روند جهش میکند، اطمینان نسبت به خط حمایت بیش از پیش قابل اتکاست. تا زمانی که قیمت بالای خط روند (اینجا بمساوی با خط حمایت است) باقی میماند، روند تحت کنترل خریداران قرار دارد. يك شکست قیمت زیر خط روند گویای علامت هشدار است که حکایت از عرضه خالص در حال افزایش است و تغییر در روند قیمت ممکن است بزودی اتفاق بیافتد.



## فواصل نقاط رسم خطوط روند

همانطور که گفته شد نقاط حداکثر (ماکزیمم)، خطوط روند نزولي را تشکیل میدهند و نقاط حداقل (مینیمم) خط روند صعودي را رسم میکنند. این نقاط حداکثر یا حداقل نباید خیلی از هم دور یا نسبت به هم نزدیک باشند. فاصله مناسب بین این نقاط، توسط عواملی از این قبیل تشخیص داده میشوند: مقیاس زمانی رسم نمودار، محدوده تغییرات قیمت و نظرات شخصی تحلیل گر. اگر دو نقطه مینیمم به هم خیلی نزدیک باشند، اعتبار عکس العمل مینیمم (یعنی ماکزیمم بعدی) بزیر سوال میرود (یعنی نمیتوان مطمئن بود این مینیمم باعث بوجود آمدن ماکزیمم قابل توجهی در آینده بشود، در حالیکه اگر خط روند معتبر و قابل اتکا باشد، اتفاق افتادن این موضوع تقریباً اجتناب ناپذیر است). اگر دو نقطه مینیمم از هم بسیار دور باشند ارتباط مابین این دو نقطه حداقل مشکوک و غیر قابل اتکاست. یک خط روند ایده آل و قابل اعتماد از تعدادی نقطه حداقل (یا حداکثر) با فواصل منطقی که بصورت هموار و پی در پی خط روندی را تشکیل میدهند. خط روند رسم شده در نمودار بالا برای شرکت MSFT یک نمونه از فاصله خوب و مناسب بین نقاط حداقل برای رسم خط روند میباشد.



در نمودار بالا (شرکت WMT) نقطه ماکزیمم دوم بنظر خیلی نزدیک به نقطه حداکثر اولی میرسد و خط روند بدست آمده خیلی قابل اتکا و معتبر نیست. بهر حال خط روند بهتری نیز قابل رسم است به این صورت که نقطه دوم حداکثر (شماره ۲) را به عکس العمل (ماکزیمم) بوجود آمده بخاطر مینیمم ماه فوریه، وصل کنیم.

## زوایا و شیبها در خطوط روند

هر چقدر شیب خطوط روند بیشتر شود (قیمت با روند تندتری تغییر کند) از اعتبار درجه حمایت یا مقاومت کاسته میشود. یک خط روند تند حاصل از یک جهش (یا افت) ناگهانی در یک بازه کوتاه زمانی است. خط روند بوجود آمده بدلیل اینگونه تغییرات ناگهانی، بعید است که یک خط حمایت یا مقاومت معنی دار و قابل اعتماد را مشخص کند. حتی اگر سه نقطه معتبر وجود داشته باشند که خطی با شیب به این تندی را بعنوان یک خط حمایت یا مقاومت معرفی کند باز هم بسختی میتوان به آن اطمینان کرد.



خط روند سهم شرکت یاهو (با نماد YHOO) در طول ۵ ماه، چهار بار توسط نمودار قیمت تماس یافته است. فاصله بین نقاط مناسب است ولی شیب خط روند زیاد بوده و قابل قبول نیست. بنظر میرسد سقوط سهم به زیر خط روند محتمل تر از بالای خط روند ماندن قیمت باشد. در هر حال تشخیص زمان این سقوط و تصمیم برای بازی کردن با سهم پس از قطع خط روند، کاری دشوار بنظر میرسد. میزان اطلاعات در حال نمایش در نمودار و اندازه چارت در زاویه خط روند تاثیر گذارند. نمودارهای کوتاه و عریض کمتر حاوی خطوط روند با شیب تند بنظر می آیند، در حالیکه در نمودارهای بلند و کم عرض، اکثر خطوط روند با شیب تند به چشم می آیند. سعی کنید این موضوع را همیشه موقع تخمین و ارزیابی میزان اعتبار یک خط روند در ذهن داشته باشید.





## خطوط روند قطع کننده

بعضی مواقع امکان رسم یک خط روند وجود دارد، ولی نقاط، دقیقاً یک خط روند را مشخص نمیکنند. مثلاً نقاط حداکثر یا حداقل در محل مناسب برای تماس با خط روند قرار ندارند. ممکن است شیب خط زیاد باشد یا نقاط حداقل و حداکثر به هم نزدیک باشند. اما اگر یک یا چند نقطه را در نظر بگیریم، یک خط روند مناسب و منطبق روی نمودار قیمت میتوان رسم کرد. گاهی اوقات زمان وجود تغییرات زیاد و عدم تعادل در بازار، ممکن است سهم رفتار غیرعادی داشته و بیش از حد معمول نوسان کند که این موضوع باعث بوجود آمدن نقاط حداکثر و حداقل نامتعارف میشود. یک روش برخورد با اینگونه تغییرات شدید این است که خطوط روند قطع کننده رسم کنیم. البته در صورتی که یک خط روند قطع کننده پرش قیمتی را در نظر نگیرد، این موضوع باید هدفمند و با دلایل منطقی باشد.



در نمودار بالا خط روند بلند مدت (شاخص S&P500) از اواخر سال ۹۴ صعودی بوده و در ماههای زیر نقاط حداقل را در نمودار قیمت قطع کرده است: جولای ۹۶، سپتامبر ۹۸ و اکتبر ۹۸. این نقاط حداقل در اثر اوج فروشهای بوجود آمده در دوره های فوق الذکر بوجود آمده اند و نشاندهنده تغییرات شدید و دفعتی قیمت هستند که حتی باعث نفوذ قیمت به زیر خط روند میشوند. با رسم خط روند از داخل این نقاط حداقل بنظر میرسد شیب خط روند منطقی و خوب بوده و مابقی نقاط مینیمم خیلی خوب و منطبق بر خط روند قرار دارند.





گاهی اوقات در نقاط حداقل یا حد اکثر یک " گروه قیمتی " بوجود می آید و چند مدتی نیز باقی میماند. گروه قیمتی یک بازه زمانی است که در آن قیمت ها در یک ناحیه محدود نوسان میکند. میتوان این نوع نوسانات محدود را در نظر نگرفت و کل یک گروه قیمتی را بعنوان یک نقطه (حداقل یا حداکثر) در نظر گرفت و خط روند را از میان گروه قیمتی رسم کرد. نمودار شرکت کوکا کولا (با نماد KO) که در بالا آورده شده نشاندهنده یک خط روند قطع کننده است که بعوض در نظر گرفتن پرش های قیمت در رسم خط روند، با استفاده از گروه قیمتی خط روند مناسبتری رسم شده است. در اکتبر و نوامبر سال ۹۸ شرکت کوکا کولا دو ماکزیمم قیمت ایجاد کرده که ماکزیمم نوامبر کمی بالاتر از ماه قبل است (نقطه ۱ روی نمودار). اگر نقطه ماکزیمم ماه نوامبر (ماکزیمم اولی) را برای رسم خط روند در نظر بگیریم، شیب خط روند بیشتر منفی میشود (خط خاکستری) و در ماه دسامبر شاهد تشکیل یک دره (سقوط ناگهانی) در قیمت هستیم. در هر حال خط روند خاکستری یک خط روند دو نقطه ای است و دو نقطه ماکزیمم ماههای ژوئن (June) و ژولای (July) سال ۹۹ خیلی به هم نزدیکند (فلشهای سیاه را ببینید). زمانی که ماکزیمم ماه دسامبر ۹۹ شکل گرفت (فلش سبز رنگ) یک امکان جدید بوجود می آید تا خط روندی قطع کننده از نقاط ماکزیمم اکتبر/ نوامبر ۹۸ و دسامبر ۹۹ رسم نمود (خط روند آبی رنگ). این خط روند دوم بر سه نقطه معتبر بنا شده (بصورت انطباق کامل و نه قطع کننده) و اعتبار آن در پیش بینی خط روند مقاومتی بودن آن ثابت میشود (در ماکزیمم ژانویه ۲۰۰۰ - محل فلش آبی رنگ).



## نتیجه گیری

روندها دید خوبی به تحلیل گر میبخشند، ولی اگر درست و بموقع بکار برده نشوند میتواند نتیجه عکس داده و اظهارهای خرید و فروش غلط اعلام کند! عوامل تحلیلی دیگری همچون درجات حمایت/ مقاومت یا تحلیل فراز/ نشیب(رونق و رکود) نیز باید بکارگرفته شوند تا بتوان به شکستگی و تغییر شیب خطوط روند اعتماد کرد. با وجود اینکه خطوط روند، مشخصه عمومی و اصلی تحلیل تکنیکی هستند ولی بندرت بعنوان ابزار تکی برای تحلیل و بررسی روند قیمت سهم و اعتبار سنجی روندها بکار میروند. خطوط روند نباید بعنوان ابزار قضاوت نهایی بکار روند، بلکه بعنوان اظهارهایی درباره احتمال تغییر روند قیمت بکار گرفته میشوند. تحلیل گر با استفاده از خطوط روند بعنوان ابزار تشخیص شکستگی و تغییر روند قیمت، میتواند بصورت دقیق تر، دیگر علائم و نشانه های تغییر بالقوه در قیمت سهم را بررسی کند.



خط روند صعودی شرکت VRSN (نمودار فوق) چهار بار با نمودار قیمت تماس داشته است (نقاط ۱ تا ۴) و یک خط حمایت معتبر بنظر می آید. علی رغم اینکه در ژانویه ۲۰۰۰ خط روند قطع شده و میتواند نشانه ای بر برگشتن روند باشد، عکس العمل قبلی (مینیمم واقع در نقطه ۴ که عکس العمل ماکزیمم قبلی محسوب میشود) شکست خط روند را تأیید نمیکند و در عوض ماکزیمم بالاتر از ماکزیمم قبلی را باعث میشود. (این موضوع نشاندهنده شکسته نشدن روند و ادامه داشتن روند صعودی است).

نویسنده: آرتور هیل

ترجمه: یاسر رشیدی

منبع :

[www.sarmaye.com](http://www.sarmaye.com)

لینک مستقیم تاپیک :

<http://forum.sarmaye.com/showthread.php?t=1730>



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :